

کنشگری سیاسی اسلام‌گرایان در کردستان (مطالعه کیفی جماعت دعوت و اصلاح)

امید قادرزاده*، بهروز محمدی**

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۹/۰۶، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۰۶)

چکیده: جماعت دعوت و اصلاح، یکی از جریان‌های مذهبی فعال در کردستان به‌شمار می‌رود. این جماعت، جزو معدود جریان‌های مذهبی فعال در کردستان است که در کنار فعالیت‌های دینی، فرهنگی و تربیتی، قائل به کنش‌ورزی سیاسی در چارچوب نظام سیاسی حاکم بر ایران است. در پژوهش حاضر، به قصد راه‌بردن به تجربه و درک اعضای جماعت دعوت و اصلاح از کنش‌ورزی سیاسی، به روش نظریه زمینه‌ای با ۳۰ نفر از اعضای فعال و با سابقه حداقل ۷ سال عضویت در این جریان مذهبی مصاحبه نیمه‌ساخت یافته به‌عمل آمد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اعضای جماعت، در مواجهه با زمینه‌هایی چون هویت‌خواهی قومی احزاب ناسیونالیست‌گردد، ضعف جایگاه دین در کردستان، تضاد فرهنگی در کردستان، قدرت نازل اهل سنت در ایران به کنش‌ورزی سیاسی روی می‌آورند. در این میان، مدرنیته و چارچوب‌های قانونی نظام جمهوری اسلامی به‌مثابه زمینه تسهیل‌گر، و موفقیت اسلام‌گرایان در کشورهای اسلامی، و فعالیت جریان‌های اسلامی در کردستان به عنوان شرایط مداخله‌گر عمل نموده‌اند. اعضای جماعت دعوت و اصلاح در مواجهه با زمینه‌های مذکور به راهبردهایی چون همگرایی و کنش در چارچوب قانون اساسی، تمایزبخشی از دیگر گروه‌ها و جریان‌های اسلامی، و مواجهه با ایدئولوژی‌های سیاسی غربی (از تقابل تا تعامل) متوسل شده‌اند. یافته‌های میدانی مؤید آن است که کنش‌ورزی سیاسی در میان اعضای جماعت دعوت و اصلاح نمونه‌های متنوعی به‌خود گرفته است که در ذیل سه سنخ «سنت‌گرایی جدید»، «تجددگرایی میانه‌رو» و «تجددگرایی» قابل دسته‌بندی است.

مفاهیم کلیدی: تجددگرایی، جماعت دعوت و اصلاح ایران، کنش‌ورزی سیاسی،

*. دانشیار دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی (نویسنده مسئول)

o.ghaderzadeg@uok.ac.ir

** کارشناس ارشد دانشگاه کردستان behrooz_aras@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

سیاسی شدن نشان‌گرهای مذهبی و هویتی، پدیده‌ای جدید و از پیامدهای استقرار ملت-دولت^۱ به‌مثابه یکی از پایه‌های مدرنیته سیاسی در جوامع معاصر است (انتصار، ۱۹۹۲: ۱۰). بر این اساس، تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی و قومی به‌تدریج در ذیل آن چیزی قرار گرفت که گلنر آن را «بام سیاسی» ملت-دولت می‌نامد؛ چیزی که به یکی از منابع قدرتمند معنا برای هویت‌های اجتماعی و فرهنگی مدرن تبدیل شده است. در تقابل بین هویت قومی و ملی، دین می‌تواند به‌عنوان یک عامل گریز از مرکز و هم‌یک عامل پیونددهنده با مرکز مورد توجه قرار گیرد. دین مهم‌ترین یا دست‌کم یکی از مهم‌ترین عوامل وفاق و همبستگی [یا جدایی و شقاق] ملی در ایران (تاجیک، ۱۳۸۴؛ امان‌الهی، ۱۳۸۰) و در جهان بوده است (هانتینگتون، ۱۳۸۳: ۲۸).

در جامعه چند فرهنگی ایران نیز هم‌زمان با تشکیل دولت مدرن (در اوایل قرن بیستم)، تفاوت‌های فرهنگی-زبانی زمینه و چارچوب کنش‌های سیاسی گروه‌های مختلف را شکل داده است (اشرف، ۱۳۷۳). «با استقرار جمهوری اسلامی، مذهب که برای چندین دهه به حاشیه‌های سیاست در ایران رانده شده بود، بار دیگر به عنوان یک مسئله سیاسی، فرهنگی و هویتی مطرح شد» (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۸) و کنش‌ورزی سیاسی در کردستان با مسئله مذهب نیز به نوعی آمیخته شد. با توجه به این که بخش قابل‌توجهی از جمعیت استان کردستان را اهل تسنن تشکیل می‌دهد و همچنین عمده فعالیت‌های جریان‌های سیاسی گرد در مناطق سنی‌نشین انجام گرفته است، این مسئله اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. از طرفی دیگر در چند دهه گذشته «پدیده جهانی شدن که همراه با گسترش ارتباطات، انقلاب تکنولوژی اطلاعات و کاهش نقش ملت-دولت بوده است، خیزش نیرومند هویت‌های جمعی بر مبنای مذهب و ناسیونالیسم را در جهان کنونی تسریع نموده است» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷).

جامعه‌گردهای ایران اگرچه به لحاظ تاریخی و زبانی دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشد اما دارای تمایزها و تفاوت‌هایی در درون خود نیز هستند. یکی از این جنبه‌ها که از قضا در ایران امروز (از نظر سیاسی و فرهنگی) مهم به شمار می‌آید تفاوت‌های مذهبی است. دین اکثریت کردها اسلام است. دین اسلام دارای دو مذهب شیعه و سنی است و این دو از نظر اجتماعی و سیاسی دارای تفاوت‌ها و اختلافات تاریخی مشخصی هستند. به‌زعم جلالی‌پور (۱۳۸۵: ۷۲) در کتاب فراز و فرود جنبش کردی، «تفاوت و اختلاف بین شیعه و سنی در کردستان ایران به زمینه‌های سیاسی و

1. nation-state

اجتماعی مربوط می‌شود». مشابه این اظهارات را می‌توان در کتاب قومیت و قوم‌گرایی؛ از افسانه تا واقعیت مشاهده کرد: «علاوه بر استان کردستان ایران، در غرب آذربایجان و کرمانشاه نیز مناطق کردنشین وجود دارد. با این همه کردهای کرمانشاه نسبت به گرایش‌های سیاسی در استان کردستان همدلی سیاسی نشان نداده‌اند. دلیل عمده این امر آن است که کردهای کرمانشاه اغلب شیعه و کردهای کردستان و آذربایجان غربی سنی‌اند» (احمدی، ۱۳۷۹: ۷۸). انتصار (۱۹۹۲: ۴) در کتاب ناسیونالیسم قومی کرد، «جهت‌گیری‌های سیاسی کردها در ایران را متأثر از عواملی همچون زبان، مذهب و حاشیه‌ای بودن مناطق کردنشین از نظر اقتصادی و سیاسی می‌داند».

نکته قابل توجه این‌که مطالعات مذکور بر عمده‌ترین تفاوت مذهبی در قالب سنی - شیعه متمرکز شده‌اند و به نوعی از تنوع جریان‌های مذهبی در نزد کردهای اهل سنت که در قالب جریان‌های مختلف اسلام‌گرا نمود پیدا کرده است، غفلت ورزیده‌اند. اسلام‌گرایی در کنار گفتمان ناسیونالیستی و سوسیالیستی از گفتمان‌های فعال در کردستان به شمار می‌رود که برای اولین بار در کردستان در دهه ۱۳۵۰ شمسی شکل گرفت و بعد از انقلاب در قالب دو گروه «مکتب قرآن» و «جماعت دعوت و اصلاح ایران» یا همان اخوان المسلمین ایران به فعالیت خود ادامه داده است. جماعت دعوت و اصلاح یکی از جریان‌های مذهبی فعال در کردستان است که در فضای موزاییکی سیاسی - دینی کردستان در سال‌های ۵۴-۱۳۵۵ شکل گرفت، هرچند این جماعت بر مبنای اساس‌نامه و مرام‌نامه، اهداف تربیتی و فرهنگی را در مناطق سنی‌نشین ایران دنبال می‌کند اما از سیاست و فعالیت‌های سیاسی غافل نبوده و همان راهی را دنبال می‌کند که اخوان المسلمین مصر در سال‌های اولیه‌اش طی کرد. فهم جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی این جریان‌ها، دلالت‌های آن برای کنش‌ورزی پیروان در عرصه‌های مختلف و به‌ویژه در عرصه سیاسی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بنابراین می‌توان گفت میان مذهب و سیاست در وضعیت کنونی در جامعه کردستان نسبت‌های جدیدی ایجاد شده است که نیازمند مطالعه بیشتر است. این نکته مسئله‌ای به‌غایت مهم و قابل توجه است چراکه نوعی شکاف و چندپارگی مذهبی و به‌تبع آن فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه گرد را نشان می‌دهد که تا به حال توجه چندانی بدان نشده است. لذا پرداختن به رابطه مذهب و کنش‌ورزی سیاسی در استان کردستان باید با در نظر گرفتن این تقسیم‌بندی باشد. کنش‌ورزی سیاسی می‌تواند مجرایی برای واکاوی هویت‌یابی و تفسیر زیست‌جهان پیروان این جریان‌های اسلام‌گرا باشد. لذا لازم است برای درک هر چه بیشتر این پدیده به دیدگاه‌های پیروان نیز رجوع کرد، چراکه این افراد در جریان زندگی روزمره به تولید و بازتولید این نظام معنایی می‌پردازند. به‌علاوه، مذهب و قومیت از منابع مهم هویت‌یابی و ارائه‌دهنده نظام‌های معنایی است و در مناسبات و پویای سیاسی و اجتماعی در ایران و به‌تبع آن در کردستان هم نقش مهمی دارد؛ بنابراین، ضروری است

در مطالعه پویش‌های قومی-مذهبی در ایران مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که زمینه‌ها و شرایط کنش‌ورزی سیاسی در نزد اعضای جماعت دعوت و اصلاح‌سنندج کدامند؟ اعضای جماعت در مواجهه با زمینه‌ها و شرایط پیش‌رو چه راهبردهایی اتخاذ نموده‌اند؟ و پیامدهای زمینه‌ها و راهبردهای اتخاذ شده در نزد اعضای جماعت دعوت و اصلاح در عرصه کنش‌ورزی سیاسی در جامعه کردستان چه سنخ‌هایی را دربرداشته است؟

مروری بر ادبیات نظری و تجربی

ارتباط میان مذهب و ناسیونالیسم دیر زمانی است که توجه متفکرین و اندیشمندان را به خود جلب کرده است. دیدگاه‌های مرتبط با این دو مقوله را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد. دیدگاه نخست، رویکرد مدرنیستی به ناسیونالیسم است. بر مبنای این رویکرد، هم زمان با رشد و گسترش مدرنیسم دین و نقش اجتماعی آن به حاشیه می‌رود و ناسیونالیسم جایگزین آن می‌شود. به این ترتیب ناسیونالیسم به آلترناتیو دین بدل خواهد شد و کارکردهایی که دین در حفظ همبستگی اجتماعی در دوره ماقبل مدرن ایفا کرده است را ناسیونالیسم در دوره مدرن به عهده می‌گیرد. گلنر (۱۹۹۴) و اندرسون (۱۹۹۹) از جمله نظریه‌پردازان این رویکرد به‌شمار می‌روند. اما از منظر نمادپردازان قومی، دین و ناسیونالیسم می‌توانند در کنار هم به حیات خود ادامه دهند و مذهب در بنیاد نهادن هویت ملی نقش به‌سزایی دارد. فان‌دیرفیر (۱۹۹۵) در نقد گلنر و اندرسون نشان می‌دهد که نگاه مدرنیستی که تأثیر دین را در ارتباط با ناسیونالیسم نادیده می‌گیرد، فاقد پایه و اساس تاریخی است، به نظر وی بین دین و ناسیونالیسم ارتباطی مهم، عمیق و همه‌جانبه وجود دارد؛ به طوری که به‌سختی می‌توان جنبشی ناسیونالیستی پیدا کرد که ارتباط مشخصی با دین نداشته باشد. اسمیت (۱۳۸۳) نیز به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان نمادگرایی قومی، معتقد است برای درک چرایی تداوم هویت‌های ملی و استمرار ملت باید به مطالعه و بررسی بنیادهای مقدس ملت پرداخت. وی بر این باور است که اگرچه ما اکنون و حداقل در غرب در یک عصر سکولار (عرفی) زندگی می‌کنیم اما حتی در خود غرب، میانی مقدس ملت کاملاً زایل نشده‌اند.

یکی از رویکردهای نوین و متأخر در حوزه فرهنگ سیاسی و کنش‌ورزی سیاسی، مارک تسلر^۱ (۲۰۰۲) است. این رویکرد به دلیل ماهیت تلفیقی و ابتنای آن بر ادبیات نظری فرهنگ سیاسی و تمرکز بر کنش‌ورزی سیاسی جوامع اسلامی، مناسبت بیشتری با موضوع و میدان مورد مطالعه دارد. به زعم تسلر، پیوند تاریخی نیرومندی بین مذهب و سیاست در جهان اسلام وجود دارد که منعکس‌کننده سرشت اسلام به مثابه مذهبی حقوقی است که هم برای سازمان‌دهی اجتماعی و هم اخلاق فردی قانون دارد. از این‌رو، اسلام در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی نقش دارد، نقشی که

1. Tessler

هیچ‌یک از کشورهای مسلمان خاورمیانه قادر نیستند تا به‌طور کامل از گستره فراگیر آن بگریزند. تسلر، با منظور داشتن معیارهای شناختی (تکثرگرایی سیاسی) و رفتاری (درگیری عملی در سیاست)، فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بی‌تفاوت^۱، عمل‌گرا^۲ و محدود^۳ تقسیم می‌کند (تسلر و الارنو، ۲۰۰۹: ۲۰۷-۱۹۷).

مطالعات تجربی تسلر (۲۰۰۲) در خصوص تأثیر و نفوذ اسلام بر گرایش دموکراتیک در فلسطین (کرانه باختری و غزه)، مراکش، الجزایر، مصر و ترکیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های مذهبی رابطه مستقیمی با جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دارند. دل‌بستگی‌های مذهبی مانعی بر سر راه حمایت از دموکراسی محسوب نمی‌شود. بلکه مطالعات وی رابطه مثبت حمایت از دموکراسی با تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تجربه مشارکت سیاسی و جنسیت افراد را تأیید می‌کند. او به این نتیجه می‌رسد که شواهد بسیار ناچیزی وجود دارد دال بر این نظریه که اسلام و دموکراسی ناسازگار هستند. نفوذ مذهب تا حد بسیار زیادی بستگی دارد به این که چگونه و چه کسی آن را تفسیر کند. آن چه واضح است این است که تبیین‌های فرهنگی که استدلال می‌کنند اسلام دموکراسی را ضعیف می‌کند یا مانع حمایت از آن می‌شود، گمراه‌کننده یا حتی فریب‌دهنده هستند و در تلاش برای فهم عوامل شکل‌دهنده جهت‌گیری‌های دموکراتیک در جهان عرب کم‌ترین استفاده را دارند.

نظریه دکم‌جیان (۱۳۹۵) در کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب درصدد برآمده است تا نظریه جامع پیرامون علل و عوامل پیدایش جنبش‌های اسلامی در جهان عرب به‌دست دهد. وی تجربه تاریخی جوامع مسلمان، ویژگی‌های فکری اسلامی و اعتقادات مسلمانان را با استفاده از نظریات موجود متفکران سیاسی و جامعه‌شناسی غرب (نظیر ماکس وبر، دورکیم، مارکس و اریکسون) مورد تحلیل قرار داده و یک چارچوب مفهومی که به نظریه ادواری معروف شده است، ارائه داده است. دکم‌جیان معتقد است، جنبش‌های فکری-سیاسی اسلامی پدیده‌هایی دوره‌ای هستند که در دوران خاص ظهور و تحول یافته‌اند. وی در کتاب جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ابتدا شرایطی را که عموماً منجر به ظهور جماعت‌های بنیادگرای اسلامی می‌شود، معین کرده، سپس عوامل شکل‌گیری آن‌ها را بیان می‌کند. به زعم وی، برای هرگونه بررسی جامع بنیادگرایی اسلامی معاصر، باید در مورد ریشه‌های روانی، معنوی، سیاسی، اجتماعی آن و محیطی که بسترگاه عقاید و اعمال بنیادگرایانه است، تحقیق به‌عمل آورد. یک الگوی تجربی-تاریخی در این مورد، رابطه علی و معلول میان بحران‌های اجتماعی و ظهور جنبش‌های مذهبی و ساختن جامعه‌ای نوین بر پایه برنامه ایدئولوژیک ویژه خود هستند. در نتیجه ایدئولوژی این جنبش‌ها هم جامع و هم غیر قابل انعطاف و منعکس‌کننده پاسخ‌ها و

1. Indifferent Political culture
2. Activist Political culture
3. Parochial Political culture

عکس‌العمل‌های رهبران فرهمند در قبال شرایط بحرانی است. در مجموع دکم‌جیان شش بحران را در پیدایش بنیادگرایی برمی‌شمارد: بحران هویت، بحران مشروعیت، فساد و سرکوب در حکومت نخبگان، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی، و نوسازی و بحران فرهنگی. وی پیدایش جنبش‌های اسلامی را پاسخ‌هایی بنیادگرایانه به بحران‌های یاد شده می‌داند و معتقد است که بنیادگرایی مذهبی - سیاسی به عنوان واکنشی در برابر بحران اجتماعی بوجود آمده است.

چارلز کارزمن (۱۳۹۶) در کتاب گفتمان مدرنیسم اسلامی: مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها، در ارتباط با انتخاب برخی متفکران مسلمان به عنوان مدرنیست اسلامی به عواملی چون اجماع محققان، مخالفت با اسلام سنتی، نمایندگی اشکال متفاوت گفتمان مدرنیسم اسلامی، و بازتاب مدرنیستی بودن در آثار متفکر، اشاره نموده است. به زعم وی، نباید دیدگاه شرق‌شناسی درباره‌ی اسلام را به اشتباه به تمامی اسلام تعمیم داد و آن را با اسلام یکسان انگاشت. به لحاظ تاریخی، اسلام مرکب از مجموعه‌ی متنوع و بی‌شماری از تفاسیر است و در میان این تفاسیر و دیدگاه‌های متفاوت، تفسیری وجود دارد که به بیان دیدگاه‌ها و مسائلی شبیه به مدرنیسم غربی می‌پردازد؛ اگرچه سعی در فراتر رفتن از آن دارد. وی با اشاره به علمای بزرگی هم‌چون محمد عبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹)، جمال‌الدین افندی (۱۹۱۷-۱۸۴۸) و دو تن از علمای بزرگ شیعی ایران که حکومت مشروطه را می‌پسندیدند، معتقد است که انتخاب و اختیار آگاهانه ارزش‌های مدرن چون عقلانیت، علم، قانون‌گرایی و برابری انسانی که به نحوی روشن و آشکار در پیوند به جهان مدرن است - یکی از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های روشن جنبش‌های اسلامی‌نوگرا می‌باشد، این جنبش نه تنها جنبش مدرن بلکه جنبشی مدرنیته یا نوگرا نیز می‌باشد. ویژگی دیگر جنبش‌های نوگرا استفاده از یک گفتمان اسلامی خودآگاه است. آن‌ها آرزو داشتند باورها و اعتقادات اسلامی را در جهان مدرن زنده نگه دارند و آن‌ها را اصلاح و بهبود ببخشند. اعتقادات مدرنیسم (نوگرایی)، جنبش‌های اسلامی نوگرا را از جنبش‌های اصلاحی پیشین که ارزش‌های مورد توجه خود را مدرن نمی‌دانستند و نیروهای رقیب دیگری همچون سنت‌گرایان که انکار ارزش‌های مدرن را جزء اصول اعتقادی خود می‌دانستند، متمایز می‌سازد.

راه حق (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی جریان مکتب قرآن و تأثیر آن بر مسائل سیاسی کردستان» نشان داده است که مکتب قرآن در اوایل به‌طور آشکار دارای فعالیت‌های سیاسی بود اما در دهه‌ی هفتاد و با مرگ بنیان‌گذارش، مشی انزواگرایی در سیاست را در پیش گرفت. از نظر پیروان مکتب قرآن هرگونه فعالیت سیاسی نیاز به آمادگی درونی افراد و تحول انقلابی در بنیادهای فردی دارد. لذا نخبگانی که مرحله انتخابی درونی را طی نکرده باشند به سمت فساد گرایش پیدا خواهند کرد. در حال حاضر، فعالیت‌های این مکتب محدود به عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی است.

عبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران» که با روش نظریه زمینه‌ای و مصاحبه با ۱۰ نفر از اعضای رده‌بالای جماعت دعوت و اصلاح ایران در چهار استان تهران، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی انجام داده است، سه مقوله اساسی نوگرایی سیاسی، نواندیشی نسبت به حقوق زنان، و استقبال از دست آوردهای مهم روز را در گفتمان جماعت دعوت و اصلاح شناسایی کرده است. از نگاه جماعت، حکومت بر خواسته از رأی مردم است و برای اثبات مدعای خود به جریان سقیفه که منجر به انتخاب خلیفه از جانب مردم گردید استناد می‌شود. الهیات سیاسی جماعت، ماهیت افقی دارد و در هر زمان حکومت با انتخاب مردم برگزیده می‌شود. در اندیشه این مکتب تئوکراسی جایگاهی ندارد و قائل به نوگرایی فراگیر در ابعاد سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی است.

اعظم‌آزاده و بقالی (۱۳۹۱) در پژوهش کیفی «تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران» که با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی و استفاده از تکنیک مشاهده همراه با مصاحبه و کدگذاری نظری و مضمونی به انجام رسیده است، نشان داده‌اند که در میان کردهای سلفی ایران، تفکر سلفی حول محور مفاهیمی همچون توحید، تکفیر، جهاد، طاغوت، آرمان‌گرایی، شمولیت دین و... شکل گرفته است. در این مطالعه ساختار و چگونگی سازمان‌دهی سلفی‌های کُرد ایران در قالب چهار گروه جهادی‌های رادیکال، جهادی‌های میانه‌رو، غیرجهادی‌های سنتی و غیرجهادی‌های محافظه‌کار مقوله‌بندی شده است. سلفی‌گری با تأکید بر مفهوم اعتراض به وضع موجود، با تأکید و پای‌بندی بر گذشته آرمانی اسلام و با داشتن برچسب تندروی و بنیادگرایی، در واقع نوعی هویت مقاومت مبتنی پایان بر مفهوم شمولیت دین در برابر گفتمان غالب و سکولار جامعه کُرد را مطرح می‌کند و بدین وسیله آن‌را برای دیگران به نمایش می‌گذارد.

سراج زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه کیفی چالش‌های زیست دینی (مورد مطالعه جوانان شهر سنندج)، نشان داده‌اند که تکثر دینی- عقیدتی در کردستان به دلیل عرضه خوانش‌های متفاوت از دین و دین‌داری، زیست دینی جوانان کُرد را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. براساس یافته‌ها، مقوله‌هایی با عناوین سلفی‌گری و بنیادگرایی دینی، مکاتب دینی و تعارضات دینی، تضاد سنت‌های دینی و مدرنیته، تحمیل ایدئولوژی‌های سیاسی-دینی مرکزی، فرقه‌گرایی، ترکیب و تعارض دین و سیاست، رشد بی‌عدالتی‌های دینی، سیاسی، و ساختاری، بی‌اعتمادی به معرّفان دینی و دنیاگرایی بر ساخته شد. این مقوله‌ها حاکی از آن است که در میدان اجتماعی و فرهنگی کردستان تنش‌هایی جریان دارد که می‌تواند موجب تقویت جریان فرآیند سکولارشدن گردد و واکنش‌هایی نسبت به آن شکل گیرد.

سراج زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کُردهای شیعه و سنی ساکن شهرستان‌های مختلف استان کرمانشاه نشان داده‌اند که رابطه مذهب و هویت قومی در نزد کُردهای سنی در قالب مقوله هسته «ناسیونالیسم کردی سکولار» و برای کُردهای شیعه در ذیل مقوله هسته «قوم‌گرایی فرهنگی» قابل تعریف است. مقوله‌های تلقی سکولار از دین و نارضایتی از دولت در بین دو گروه مصاحبه‌شوندگان سنی و شیعه مشترک و در سایر موارد هم‌چون طرز تلقی نسبت به هویت کُردي، هویت ایرانی و رابطه مذهب و قومیت دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند.

شریعتی مزینانی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه کیفی مکتب قرآن؛ مؤمنانی در نوستالژی «امت» مطالعه موردی کردها در ایران، به بررسی سازوکارهای اجتماعی مؤثر بر گرایش کُردها به مکتب قرآن، در مرحله سوم تطور گفتمانی- ساختاری این جریان از میانه دهه ۱۳۷۰ هجری تاکنون پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج، با گسترش نفوذ و پهنه جهان جامعه‌ای و هم‌مونی قواعد و مختصات آن، ساکنان دل‌زده از جامعه به عزیمت و ترک این جهان و پناه جستن در نوعی جهان اجتماعی روی آورده‌اند. حاصل این فراگرد، خلق جهان خاص مکتب قرآن است؛ هجرت ایمانی به دنیای روابط تنگاتنگ درون‌گروهی امتِ مطهر، بدون گسست فیزیکی از جامعه نامطهر سابق.

مروری بر مطالعات به انجام رسیده گویای آن است جامعه کُردهای اهل سنت ایران اگرچه به لحاظ تاریخی، فرهنگی و زبانی دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشند اما به مانند هر جامعه دیگری دارای تمایزها و تفاوت‌هایی در درون خود نیز هستند. یکی از این جنبه‌هایی که از قضا در ایران امروز (از نظر سیاسی و فرهنگی) مهم به شمار می‌آید تفاوت‌های مذهبی است. مطالعات موجود (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴) عمدتاً به موضوع تفاوت‌های مذهبی از منظر اهل تسنن و تشیع در نزد کُردهای ایران پرداخته‌اند. حال آن‌که در میان کُردهای اهل تسنن نیز نوعی تنوع و تکثر در قالب گروه‌ها و جریان‌های اسلامی دیده می‌شود. مطالعه سراج زاده و همکاران (۱۳۹۵) به این تنوع و تکثر صرفاً از منظر چالش‌های آن برای زیست‌جهان جوانان پرداخته شده است. در مطالعاتی که در ۷ سال اخیر به انجام رسیده است این تنوع و تکثیر به نوعی بازنمایی شده است. نکته قابل توجه این‌که در مطالعات مرتبط با جریان‌های اسلامی اهل سنت کردستان ایران، چندان پیوند بین مذهب و تعلقات مذهبی با کنش‌ورزی سیاسی مورد توجه قرار نگرفته است و هم‌چنین مطالعات بیشتر بر روی گرایش‌های سلفی‌گری و مکتب قرآن بوده است و مطالعه چندانی بر روی جماعت دعوت و اصلاح که در نزد روحانیون و قشر متوسط جامعه پایگاه قابل توجهی دارد به انجام نرسیده است. حتی در مطالعاتی که بر روی جماعت دعوت و اصلاح صورت گرفته است (راه حق، ۱۳۹۰؛ عبادی، ۱۳۹۱؛ رسول‌پور، ۱۳۹۲) عمدتاً معطوف به سنخ‌شناسی گفتمان جماعت دعوت و اصلاح ایران، تبیین رابطه بین ساختار اجتماعی و ایده‌هایی که جماعت دعوت و اصلاح ایران در قالب ایدئولوژی و نهایت گفتمان خود تولید کرده است، معطوف بوده است. در این پژوهش‌ها که بر روی جماعت دعوت و

اصلاح ایران صورت گرفته، نقش مذهب درکنش‌ورزی سیاسی جماعت و به‌طور کلی ابعاد و دلالت‌های کنش‌سیاسی جماعت، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر به‌دنبال واکاوی دلالت‌ها و ابعاد کنش سیاسی و سیاسی شدن مذهب در نزد جماعت دعوت و اصلاح در سنندج، مرکز استان کردستان، به روش نظریه زمینه‌ای می‌باشد.

روش شناسی

جماعت دعوت و اصلاح، بیش از ۴۵ سال در مناطق سنی نشین ایران سابقه فعالیت دارد. منابع مرتبط با جماعت دعوت و اصلاح ایران اندک است و از آن‌جا که اکثر مؤسسين این جریان مذهبی در قید حیات بودند، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای^۱ به آن‌ها مراجعه و داده‌های دسته اول استخراج گردید. نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به طور منظم گردآمده و تحلیل می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۳۴) از آن‌جا که نظریه زمینه‌ای به دنبال نظریه‌پردازی یا دست‌کم تحلیل نظری خواهد بود، روش نمونه‌گیری، نیز نمونه‌گیری نظری است. بر همین اساس، نمونه‌گیری‌ای نظری انجام شد و مصاحبه‌شوندگان براساس سؤال‌های تحقیق، مصاحبه‌های قبلی و حساسیت نظری گزینش می‌شدند. بر این اساس، کلیدی‌ترین افراد مشاهده و مطالعه شده‌اند تا اشباع نظری^۲ فرا رسد و همین اشباع نظری مرحله پایانی نمونه‌گیری بوده است. تعداد نمونه در این پژوهش بسته به حد کفایت رسیدن برای نتیجه‌گیری نظری است که این مهم در فرایند تحقیق حاصل می‌شود (همان، ۷۷).

میدان مورد مطالعه پژوهش حاضر، اعضای فعال جماعت دعوت و اصلاح ایران در استان کردستان (شهر سنندج) بود. دفتر مرکزی جماعت دعوت و اصلاح ایران در تهران است و در بیش از ۱۴ استان شعبه دارد. به دلیل تنوع در گستره فعالیت جماعت دعوت و اصلاح و با توجه به موضوع پژوهش و ماهیت زمینه‌ای و تفریدی روش‌شناسی کیفی، و با نظر به آمیختگی دین و قومیت در کردستان و پیوند آن با کنش‌ورزی سیاسی، شهر سنندج به‌عنوان میدان مورد مطالعه انتخاب شد. در این مطالعه، با هدف گردآوری اطلاعات لازم از مطلعان، مصاحبه‌های مختلفی با اعضای فعال (حداقل با ۷ سال سابقه عضویت) در جماعت دعوت و اصلاح در شهر سنندج انجام شد. پس از ۲۵ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، اشباع نظری حاصل شد. برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۳۰ نفر ادامه یافت. در فرایند مصاحبه‌ها، گزینش مصاحبه‌شونده‌ها به روش‌های نمونه‌گیری گلوله برفی و با حداکثر تنوع انجام گرفته است. برای انتخاب افرادی که تجربه‌ها و خصوصیات بارزتری در رابطه با

1. Grounded Theory
2. theoretical saturation

موضوع مطالعه داشتند، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی بهره برده شد؛ بدین صورت که پس از مصاحبه با تعدادی از اعضای جماعت، از خود آن‌ها به‌عنوان مطلعان این حوزه، درخواست گردید که افراد فعال دیگری را، یعنی کسانی که بیشتر در این زمینه درگیرند و دارای اطلاعات بیشتری هستند، معرفی کنند. مثلاً سابقه فعالیت و میزان درگیری در برنامه‌های جماعت، جایگاه و مقام فرد در درون جماعت، مبنا قرار گرفت. همچنین، تلاش شد در انتخاب نمونه‌ها معیار حداکثر تنوع نیز در نظر گرفته شود. در تحقیق حاضر با استفاده از این شیوه از اعضای جماعت دعوت و اصلاح ساکن سندج (از لحاظ جنسیت، وضعیت تحصیلی و پایگاه اقتصادی/ اجتماعی) نمونه‌گیری شد تا حداکثر تنوع را داشته باشیم. اصرار ما برای ایجاد این تنوع اگرچه با ممانعت بعضی از اعضای جماعت مخصوصاً در بحث متغیر جنسیتی مواجه شد، اما در نهایت توانستیم با ۳ نفر از زنان عضو جماعت دعوت و اصلاح ایران هم مصاحبه انجام بدهیم.

در تحلیل داده‌ها به سبک نظریه زمینه‌ای، هدف این است که از داده‌های جمع‌آوری شده- یعنی از استقرایی‌ترین شواهد موجود- به سمت مفاهیم، قضایا و مقولات انتزاعی‌تر حرکت کنیم. کدگذاری به نحو سه‌گانه انجام گرفت. در کدگذاری باز- به سبک جمله به جمله- از متن مصاحبه‌ها، مفاهیم استخراج و در فرایند کدگذاری محوری به مقولات تبدیل گردید. فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌کند (استروس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۴۵). بعد از مقوله‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، دسته‌بندی و منظم کردن مقوله‌ها متناسب با متغیرهای موجود به انجام رسید و با لحاظ سازه‌های نظری و مفهومی که در ارتقای حساسیت نظری سهمیم هستند، ۱۷ مقوله استخراج شده در ۴ زمینه مرتبط به هم دسته‌بندی گردید و نظر به اقتضایی بودن کنش‌ورزی سیاسی جماعت دعوت و اصلاح در کردستان و لحاظ مختصات اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی آن مقوله هسته سه وجهی که ناظر بر سنت‌گرایی جدید، تجددگرایی میانه رو و تجددگرایی است، استخراج گردید.

در مطالعه حاضر، برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از دو تکنیک بهره گرفته شد. از طریق تکنیک اعتباریابی از سوی اعضا، از برخی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد در مورد صحت یافته‌های کلی اظهار نظر کنند. همچنین، با بهره‌گیری از تکنیک ممیزی^۲، دو صاحب‌نظر در روش نظریه زمینه‌ای، در مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها نظارت داشتند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

1. member check
2. auditing

در این پژوهش، اکثر مصاحبه‌شوندگان (۹۰ درصد) مرد و ۱۰ درصد زن بودند که به نوعی بازنمای حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی-سیاسی در کردستان است. گستره سنی مصاحبه‌شوندگان در رده سنی (۳۴-۵۵ سال) قرار دارد که از تنوع برخوردار است. قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان، دارای تحصیلات دانشگاهی (۹۳/۳۴ درصد) بوده و بیشترین فراوانی مربوط به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد (۴۰ درصد) است. سطح تحصیل کارشناسی با (۳۶/۶ درصد) و دکترا با (۱۶/۶ درصد) سهم قابل توجهی در نمونه مورد بررسی دارد. با توجه به این که میدان مورد مطالعه یک جریان مذهبی بود، تنها (۶/۶۶ درصد) مصاحبه‌شوندگان از تحصیلات حوزه‌ای برخوردار بودند و مابقی دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.

تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

زمینه‌های کنش‌ورزی سیاسی جماعت دعوت و اصلاح در کردستان

با نظر به مفروض داشتن نظریه زمینه‌ای مبنی بر این که «عمل/تعامل در مجموعه‌ای از شرایط یا بسترهای موقعیتی رخ می‌دهد بنابراین ساختار فرایند به شکل‌هایی بسیار پیچیده به یکدیگر مرتبطاند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴). مشروعیت بخشی به ساختارها را می‌توان در عملکرد سوژه‌هایی جستجو کرد که در این چارچوب و متن اجتماعی قرار دارند. جهت پاسخ‌گویی به این پرسش که «زمینه و شرایط کنش‌ورزی سیاسی از منظر جماعت دعوت و اصلاح کردستان» از مطلعی که تجربه زیسته داشتند طی فرایندها و عملیات سه‌گانه استخراج و در نهایت با تلخیص ۶۷ کد باز در قالب مفهوم کلی‌تر قرار گرفتند و در نهایت مقوله محوری به دست آمد.

جدول (۱): زمینه‌ها و بسترها و راهبردهای کنش‌ورزی سیاسی اعضای جماعت دعوت و اصلاح

نوع مقوله	مقوله
شرایط علی	قدرت نازل اهل سنت در ایران
	زوال جایگاه دین در کردستان
	هویت‌خواهی قومی کردها
	تضاد فرهنگی در کردستان
شرایط زمینه‌ای/ تسهیل‌گر	مدرنیته
	چارچوب‌های قانونی جمهوری اسلامی
شرایط مداخله‌گر	موفقیت اسلام‌گرایان در کشورهای اسلامی
	فعالیت جریان‌های اسلامی در کردستان
	عملکرد احزاب ملی‌گرا
	حاکمیت دینی در ایران

راهبردها و تعاملات	همگرایی و عمل در چارچوب قانون
	تمایزبخشی از جریان‌های اسلامی
	مواجهه با ایدئولوژی‌های سیاسی غربی (از تقابل تا تعامل)

هویت مکانی متناسب با فرهنگ سیاسی ساکنان آن، خالق کنش سیاسی است. بر مبنای اظهارات مصاحبه‌شوندگان، جماعت دعوت و اصلاح کردستان با توجه به شرایطی که در آن قرار دارد، از جمله مسئله «هویت خواهی قومی در بین گردها»، «ضعف جایگاه دین در کردستان»، و «تضاد فرهنگی در کردستان»، «قدرت نازل اهل سنت در ایران» به کنش‌ورزی سیاسی روی آورده‌اند. از منظر اعضای جماعت دعوت و اصلاح، این عوامل به مثابه شرایط علی در سیاسی شدن دین در کردستان سهیم بوده است^۱. اذعان مصاحبه‌شوندگان به مقوله‌هایی چون «عدم شفافیت احزاب ملی‌گرا»، «خطرناک بودن احزاب ملی‌گرا» و «در افتادن احزاب ملی‌گرا با دین» و همچنین اشاره به مقوله‌هایی چون «زوال جایگاه دین در کردستان»، «تقابل سنت و مدرنیته در کردستان» و «تضاد فرهنگی در کردستان»، «افراط و تفریط جریان‌های اسلامی در کردستان» از جمله بسترها و زمینه‌هایی است که در سیاسی شدن دین و کنش‌ورزی سیاسی جریان‌های اسلامی در کردستان نقش داشته است که به برخی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌شود:

در خصوص احزاب و جریان‌های ملی‌گرا در کردستان، یکی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور است: "ما معتقدیم همچون یک دین‌دار، که خدا انسان را با نیتش محاکمه می‌کند، اما آنچه در عمل قابل مشاهده است، به نظر می‌رسد دروغ باشد، من این گروهها را در چند دهه پیش در نظر می‌گیرم، این احزاب خیلی برای مردم ضرر داشته‌اند، یعنی ضررشان بیشتر از نفعشان بوده است. احزاب کُردی اشتباه بزرگی که داشته‌اند این بوده که خود را در مقابل دین قرار داده‌اند" (مرد ۳۸ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان جایگاه دین در کردستان را این‌گونه ارزیابی کرده است: "به نظر من دین در کردستان جایگاه ضعیفی دارد، عوامل زیادی دارد که یکی به روز نبودن دین، تقابل سنت و مدرنیته در جامعه و به روز نشدن احکام دینی‌مان، هنوز خیلی از چیزهایمان از

۱. استراوس و کوربین شرایط را به سه دسته علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای تقسیم نموده‌اند. شرایط علی معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند یا منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند. شرایط مداخله‌گر شرایط عام و وسیعی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند. یعنی اثر یک یا چند عامل را فعال‌تر، یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کنند. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و مداخله‌گر دارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۳).

نظر فرهنگی سنتی است ولی از لحاظ امکانات چیزهای مدرن برای‌مان آمده و این باعث شده که در این میان دست و پا بزنیم" (مرد، ۴۰ساله، کارشناسی ارشد).

در خصوص دلایل گرویدن به جماعت دعوت و اصلاح، یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین می‌گوید: "اگرچه چارچوب‌های دین را مدنظر دارد اما آن را با شرایط روز هم تطبیق می‌دهد. داشتن انعطاف زیاد. به روزترین تفسیر از دین دارد و دید کامل تری نسبت به مسائل دین دارد" (مرد، ۳۵ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

در مورد جریان‌های فعال موجود در کردستان یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین عنوان می‌نماید: "به نظر من مکتب قرآن با بافت سنندج مرتبطه، روحیات و اخلاقیات مردم سنندج با مکتب قرآن زیاد سازگاری دارد...سلفی‌ها چند دسته‌اند، اوایل که آمده بودند خیلی تند و خشن بودند در فتوا دادن و کشتن و شکنجه کردن، اما حالا تعدیل یافته‌اند، اونهایی که افکار داعشی دارند به نظر من توده‌ای بی‌عقل و جاهل هستند، و هدف آن‌ها از بین بردن دین خداست" (مرد، ۴۸ساله، کارشناسی ارشد).

در مدرنیته متأخر، اسلام در قالب جریان‌های اسلامی (مکتب قرآن، جماعت دعوت و اصلاح، کومله اسلامی، جنبش اسلامی و...) خود را نمایان کرد. زمینه‌هایی که از منظر مصاحبه‌شوندگان سیاسی شدن دین در کردستان را در پی داشته است، شامل تفسیر نوین از دین و جایگاه آن در جامعه معاصر کردستان است که در قالب مقولهٔ محوری مدرنیته قابل دسته‌بندی است؛ چون این شرایط یا نتیجه مستقیم مدرنیته و یا عکس‌العملی در مقابل مدرنیته محسوب می‌شود. مقوله‌های «حساسیت به زمان حال»، «تطبیق دین با شرایط روز»، «انعطاف زیاد»، و «تفسیر به روز از دین» بیانگر رویکردی نو به دین در منطقه و توجه به مسئله تفسیر نو از متون دینی برای انطباق با شرایط اجتماعی - فرهنگی حاکم بر کردستان است.

عامل دیگر، زمینه و بستر مکانی است که جماعت دعوت و اصلاح در درون آن فعالیت می‌کند؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران که زمینه‌ای برای فعالیت اعضای جماعت دعوت و اصلاح بوده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص چنین می‌گوید: "به‌طور کلی مردم ایران مردم متدینی هستند، دین در بین مردم ریشه دارد و همین ریشه داشتن دین در میان آن‌ها بود که باعث شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد، اما بعد از انقلاب به دلیل وجههٔ دینی حکومت باعث می‌شود دین در بین مردم دچار تغییراتی شود و دیدگاه مردم نسبت به دین تغییر کند، اگر حکومت دینی بیاید تمام احکام دینی را طبق نصوص اسلامی اجرا کند، قطعاً مردم به طرف دین‌داری بهتری می‌روند" (زن، ۳۸ساله، لیسانس).

از دیگر زمینه‌های سیاسی شدن دین که در اظهارات مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره شده است، «موفقیت جریان‌های اسلام‌گرا در دیگر کشورها»، و «تفکرات اخوان‌المسلمینی» می‌باشد. این مقوله‌ها در پیوند دین و سیاست در کردستان به مثابه شرایط مداخله‌گر عمل نموده‌اند. موفقیت جریان‌های اسلام‌گرا و به‌خصوص اخوانی‌ها در زمینه سیاسی در کشورهای همچون ترکیه، مصر و تونس به‌عنوان نمونه‌های عینی مورد بهره‌برداری جماعت دعوت و اصلاح قرار گرفته است: "نظام دموکراسی واقعی هیچ مخالفتی با دین ندارد، مثلاً ترکیه به صورت نسبی و یا تونس که دارد به طرف بهتر شدن دارد حرکت می‌کند" (مرد، ۴۵ساله، لیسانس).

یکی از مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با این سؤال که آیا رویکرد جماعت دعوت و اصلاح ایران که یک نوع تفکر اخوانی است می‌تواند در شرایط فرهنگی-اجتماعی کردستان مورد قبول واقع شود، چنین می‌گوید:

"ابو الاعلی مودودی در پاکستان با توجه به نیاز آن زمان آمد حرکتی درست کرد و سعید نوروسی، عالم بزرگ‌گردد در ترکیه با توجه به شرایط متفاوت اجتماعی و باورهای متفاوت، حزب نور که یک حرکت اسلامی است را درست کرد. ممکنه چیزهایی در پاکستان بوده باشد که در ترکیه نبوده و بالعکس. مذاهب را همین چیزای متفاوت درست کرده است و عامل دیگر این بوده که این علما به دلیل شرایط جغرافیایی و سیاسی نتوانسته‌اند مسائل را با هم و در کنار همدیگر بحث کنند. به باور من جماعت دعوت و اصلاح که ادامه دهنده افکار اخوان المسلمین است البته با این تذکر که شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کردستان و ایران متفاوت از جاهای دیگر است، پس اگر می‌گوییم در راستای اخوان قرار داریم در کلیات است نه در جزئیات"

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان جایگاه و رسالت جماعت دعوت و اصلاح را در شرایط جامعه ایران این‌گونه ارزیابی می‌کند:

"شک نداشته باش که جماعت به عنوان واسطه بین نظام و اهل سنت عمل می‌کند و به نظر من هم این بهترین روش است. ما یک جماعت حداقلی هستیم، در جامعه ما انواع تفکرات تندروانه مثل سلفیت، مکتب،... داریم بنابراین جامعه به یک جماعت میانه روانه نیاز دارد" (مرد ۴۳ ساله، دانشجوی دکترا).

راهبردهای کنش ورزی سیاسی جماعت دعوت و اصلاح در کردستان

بنا به اظهارات مصاحبه‌شوندگان فعالیت جماعت دعوت و اصلاح، معطوف به تکوین و تقویت کنش هم‌گرایانه بوده تا خود را به‌عنوان جریان مذهبی معتدل و در چارچوب قانون اساسی نشان دهند. از طرف دیگر، جماعت دعوت و اصلاح به‌دنبال تمایز بخشی از دیگر جریان‌های مذهبی فعال در کردستان، که تمایلی به فعالیت‌های سیاسی ندارند بوده است. همچنین جماعت، ابزارهای ایدئولوژیک

و سیاسی برای اعضای خود مهیا کرده است تا خود را هم در صحنه سیاسی نشان دهند و هم در مقابل ایدئولوژی‌های سیاسی غربی موجود در کردستان عرض اندام نمایند. بر این اساس، جماعت دعوت و اصلاح در مواجهه با زمینه‌های ساختاری به راهبردهایی چون «کنش همگرایی و عمل در چارچوب قانون»، «تمایز از دیگر گروه‌ها و جریان‌های اسلامی»، و «مواجهه با ایدئولوژی‌های سیاسی غربی(از تقابل تا تعامل)» متوسل شده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که دین در کردستان چه جایگاهی دارد، چنین می‌گوید:

"کردستان بطور کلی جامعه مسلمانی است یعنی اکثریت مردم کردستان مسلمان‌اند، اما با توجه به ضعف اقتصادی در کردستان و سیاست‌های رسمی و احزاب سکولار گردی، اونها بحث دگرپذیری و دیالوگ و قبول کردن فکر مخالف را مطرح می‌کنند، اما اولین گروه خودشان هستند که از همه افراط‌گراتر هستند، تمام احزاب گردی روی دین‌داری مردم تاثیر داشته‌اند، این عامل باعث شده که دین در کردستان ایران آن جایگاه را نداشته و امیدوارم در آینده چنین جایگاهی را کسب کند" (مرد ۴۲ ساله، کارشناسی ارشد).

فعالیت‌های جماعت دعوت و اصلاح به نوعی در ارتباط با جریان‌های فعال اسلامی در مناطق کردنشین صورت‌بندی شده است، یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص فعالیت جریان‌های دینی فعال در کردستان، چنین اظهار نظر می‌کند:

"شخصاً معتقدم که جماعت از همه آن‌ها معتدل‌تر است، نه واکنش‌های تند به نسبت جناح حاکمیت دارد. من خیلی از این جریانات را به‌خاطر رفتارهای تنش‌آمیزشان قبول ندارم به دلیل این‌که ما در درون حکومت در اقلیت قرار داریم. چون این نوع رفتارها باعث منزوی شدن بیشتر ما می‌شود، اما از دید من این روش‌های آن‌ها چندان صحیح نیست" (مرد ۴۳ ساله، دانشجوی دکترا). یکی از راهبردهای جماعت، همگرایی و عمل در چارچوب قانون است تا بتواند از ساخت فرصت‌های سیاسی مندرج در قانون اساسی برای گسترش فعالیت‌های آن بهره بگیرد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص چنین می‌گوید:

"... در مسائلی با مذهب تشیع اختلاف داریم که اگر این موارد به درستی مدیریت نشود باعث تنش و مشکل می‌شود. ما در درون این حکومت زندگی می‌کنیم و هیچ‌گونه قدرت و توان تقابل هم نداریم، ما به‌عنوان یک کانال ارتباطی و آشتی دهنده عمل می‌کنیم" (مرد ۴۳ ساله، دانشجوی دکترا).

سنخ‌شناسی کنش ورزی سیاسی جماعت دعوت و اصلاح در کردستان

بر مبنای نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، کنش‌ورزی سیاسی جماعت دعوت و اصلاح در کردستان در میدان عمل نمودهای و پیامدهای متنوعی در برداشته است که در ذیل سه سنخ قابل دسته‌بندی است:

جدول (۲): مقولات عمده و مقوله هسته مناسبات دین و سیاست

مقوله هسته	مقوله
سنت‌گرایی جدید	دخالت گسترده دین در سیاست
	حکومت دینی
	رویکرد دینی به سیاست
	همسان انگاری دین و سیاست
	سیطره سیاست بر زندگی
	مشارکت انتخاباتی
	ابتنای حکومت دینی بر قانون و مشارکت سیاسی
	کنش سیاسی همگرا با ساختار مسلط سیاسی
تجددگرایی میانه-رو	سیاست مدار دین‌دار
	تداخل مشروط دین در سیاست
	تلفیق منفعت‌گرایانه دین و سیاست
	حکومت دین‌داران
	واقع‌گرایی سیاسی
	علاقه‌مندی سیاسی و پیگیری رویدادها و اخبار سیاسی
تجدد گرایی	سیاست اهرم فشار
	نوگرایی سیاسی
	جدایی دین از سیاست
	واقع‌گرایی دینی
	انسان‌سازی دین
	کارکرد معنابخشی دین
	پلورالیسم
	مشارکت سیاسی به مثابه سازوکار کم‌هزینه قبضه قدرت سیاسی

سنت‌گرایی جدید

اسپوزیتو (۱۹۹۱) در گونه‌شناسی جریان‌های اسلامی مدرن، به سنت‌گرایی جدید اشاره می‌کند. سنت‌گرایان جدید، دید محافظه‌کارانه‌ای به قوانین اسلامی دارند، اما در عین حال در برخی از

حوزه‌ها، آماده پذیرش تغییرات هستند؛ به شرط آن‌که این تغییرات مستقیماً با قرآن و احادیث مغایرت نداشته باشد. این گروه طرفدار وحدت دین و سیاست و تشکیل حکومت اسلامی هستند، اما چنین دولتی باید بر پایه قانون و مبتنی بر مشارکت انتخاباتی باشد. در بین مصاحبه‌شوندگان، نوعی رویکرد سنت‌گرایی جدید وجود دارد. این دسته از مصاحبه‌شوندگان، خواهان تداخل همه‌جانبه دین در سیاست بوده و از نظر دینی هم محافظه‌کارانه هستند. تسلر می‌گوید: «دلبستگی عمیق مذهبی عمدتاً با دیدگاه سیاسی محافظه‌کارانه قرین است» (تسلر، ۱۳۸۴). اگرچه این گروه از مصاحبه‌شوندگان برداشت دینی از سیاست دارند اما مواردی همچون انتخابات و حکومت اکثریت را در شرایط امروزی قبول دارند، هرچند نظام آرمانی آن‌ها، دوران پیامبر اسلام و خلفای راشدین می‌باشد و هسته مرکزی تفکر سیاسی آن‌ها مفاهیم سنتی دوران اولیه اسلام است. «دین شکل دهنده زیربنای ساختار سیاسی و اقتصادی دولت است» (شولز، ۱۳۹۱: ۵۱).

یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص مناسبات دین و سیاست و لوازم آن چنین می‌گوید: " برای ورود دین به زمینه سیاسی یک سری پیش زمینه لازم است. در ابتدا لازم است که کارهای تربیتی صورت گیرد... به قول بزرگان، نظام سیاسی مطلوب نظامی است که دیدگاه دینی دارد، آنچه را که خدا و پیامبر فرموده‌اند در جامعه جاری و ساری کنند. ایده‌آل ما حکومت پیامبر و خلفا است... در میان روش‌هایی که بشر تا بحال تجربه کرده است، انتخابات بهترین ابزار برای دست‌یابی به قدرت است" (مرد ۳۵ ساله، دانشجوی ارشد).

یکی از اعضای جماعت در خصوص جنبش‌ها و جریان‌ات ناسیونالیستی‌گردی چنین اظهار نظر می‌کند: "گردد بودن ما یکی از نشانه‌های خداوند متعال است، و بها دادن به این ایده بها دادن به فرموده خداوند است. ما نسبت به این موضوع بی‌توجه نیستیم. در منطقه کردستان اکثر کسانی که برای ملت‌گرد زحمت کشیدند جزو ماموستایان دینی بودند، اما از این ناراحتیم که در حال حاضر بعضی از این احزاب بر علیه دین قرار گرفته‌اند، این‌ها این قدر بی‌تجربه‌اند که نمی‌دانند قاضی محمد هم یک ماموستای دینی بوده است" (مرد ۳۵ ساله، دانشجوی ارشد).

مشارکت سیاسی در بین این دسته از مصاحبه‌شوندگان در سطح مشارکت در انتخابات، طرف‌داری از کاندیدای خاص، مذاکره با کاندیداها، تشویق مردم به شرکت در فعالیت‌های سیاسی است، هرچند از منظر دینی به فعالیت‌های سیاسی نگاه می‌کنند، اما کنش سیاسی آنان هم‌سو با ساختار مسلط سیاسی ایران است.

"دعوت من به شرکت در فعالیت‌های سیاسی بیشتر تربیتی است. حرف اعضای رده‌بالای جماعت برای ما حجت است اگر آن‌ها بگویند که مردم را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی دعوت

کنید ما هم این کار را خواهیم کرد... من عضو جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا نیستم" (مرد ۳۵ ساله، دانشجوی ارشد).

تجددگرایی میانه‌رو

افرادی که دیدگاه میانه‌رو دارند، با تعدیل دیدگاه‌های دسته اول در ارتباط با مسائل سیاسی و دخالت دین در سیاست در واقع با دیدی واقع‌گرایانه به دنبال راهی می‌گردند که هم دخالت دین در سیاست تأمین شود و هم از صدمات احتمالی که متوجه دین می‌شود، بکاهند. آن‌ها به جای حکومت دینی، برای تحقق آرمان‌های دینی به حکومت دین‌داران متوسل می‌شوند؛ بدین ترتیب هم حضور افراد دین‌دار در قدرت تحقق می‌یابد و هم مصونیت اتهام دخالت دین در سیاست.

"من معتقدم که سیاست در درون خود دین وجود دارد، چون خیلی از مفاهیم دینی سیاسی هستند، مثلاً شورا، مردم‌سالاری، عدالت اجتماعی و حتی آزادی بیان و حقوق بشر که در قرآن و حدیث با زبان دیگری بیان شده است. البته ما بایستی برداشت روز از این مفاهیم داشته باشیم. در مسئله اجماع، صاحب نظران هرچه نظر بدهند همان می‌شود دین و خداوند بعضی از مسائل از جمله مسئله سیاسی را به خود مسلمانان واگذار کرده است... نظام سیاسی مطلوب و ایده‌آل نظام مبتنی بر رأی مردم و همه‌گیر و دارای روابط خارجی خوبی باشد. همچون کشور ترکیه در میان کشورهای اسلامی و در اروپا فرانسه... من در انتخابات مختلف شرکت فعالانه داشته‌ام" (مرد ۴۲ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

"وجود جریان‌های ملی‌گرا در کردستان لازم است و کارهای مفیدی هم انجام داده‌اند، و اغلب رهبران این جنبش‌ها تربیت شده حجره‌ها و دین مدار هستند همچون قاضی محمد و ملا مصطفی بارزانی، و در سال‌های اخیر هم نوعی تعامل با اسلام‌گرایان و افکار اسلامی در میان آن‌ها افزایش یافته است... آن‌ها را رقیب نمی‌دانیم" (مرد ۴۲ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

افراد این گروه به مسائل سیاسی علاقه‌مند و رویدادها و اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند، اما در مجموع سطح مشارکت سیاسی آنان پایین و در حد پی‌گیری رویدادها و حوادث سیاسی است و مشارکت چندانی در احزاب سیاسی ندارند.

"با شرکت نکردن در فعالیت‌های سیاسی کسانی سرکار می‌آیند که لیاقت ندارند و این به ضرر جامعه است... تا به حال سابقه عضویت در هیچ حزبی را نداشته‌ام... در میان ملی‌گرایان خود را نزدیک به دموکرات می‌دانم... در زمینه قبول پست‌ها و مناصب، اگر بدانم که می‌توانم بله، ولی پُست‌های که مشکل هستند مثل استاندار و فرماندار خیر... برای اینکه سطح مشارکت مردم در مسائل

سیاسی بالا برود، دولت می‌بایستی فضا را باز کند، و به احزاب در چارچوب قانون اجازه فعالیت دهد" (مرد ۴۲ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد)

تجددگرایی

اسپوزیتو (۱۹۹۱)، تجددگرایی را در ذیل یکی از جریان‌های اسلام‌گرا قرار می‌دهد. تجددگرایان، به دنبال تبیین مجدد مفاهیم اسلامی و تفکیک اصول و ارزش‌های اخروی از کاربردهای موقتی هستند. بنابراین حتی قوانینی را که به صراحت در قرآن آمده است را نیز می‌توان در شرایط کنونی جامعه با تفسیر جدید مورد استفاده قرار داد. این دسته مخالف دخالت همه جانبه دین در زندگی و به‌ویژه دخالت در سیاست، قدرت و دولت هستند. این دیدگاه عمدتاً در میان برخی از تحصیل‌کردگان (کارشناسی ارشد و دکترا) دیده می‌شود که رویکردی روشنفکرانه به دخالت دین در سیاست داشته و با در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه و دنیای امروز دست به کنش می‌زنند.

"در هر جایی دین با سیاست قاطی شده است چهره‌ای خشک و خشن و غیر منعطف به خود گرفته است، وقتی که به آیات و احادیث برای حکومت داری متوسل می‌شوید دیگر نمی‌توانید آن را تعدیل کنید و یا آن را نقد کنید، یعنی وقتی که آن را نقد می‌کنید حکم تکفیرت را صادر می‌کنند، قائل به این نیستیم که این دو در کنار یکدیگر قرار گیرند" (مرد ۴۳ ساله، دانشجوی دکترا).

"خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آن قوم خودش اقدام کند، این یک سنت است، انتخابات ربط پیدا می‌کند به دولت و حکومت و ما آن را به بهترین و کم‌هزینه‌ترین و آسان‌ترین روش برای ایجاد تغییر در ساختار حکومت می‌دانیم... خودم از زمانی که توانسته‌ام رأی داده‌ام، هر چند این تغییر را خودم با چشم نبینم" (زن ۳۸ ساله، لیسانس).

از منظر تجددگرایان، انتخابات به عنوان یک کنش سیاسی متعارف در نظر گرفته شده است، دید مثبتی به کنش‌های سیاسی دارند و نسبت به کارکردهای آن در کسب قدرت سیاسی به مثابه کم‌هزینه‌ترین روش برای ایجاد تغییر در ساختار حکومت اشراف دارند.

نتیجه‌گیری

پیوند دین و سیاست در میان اهل سنت بعد از الغای خلافت که عملاً برای مدت‌های مدید مسکوت مانده بود، با ورود مدرنیته و با عاریت گرفتن از آن، نواندیشان دینی همچون رشید رضا، محمد عبده و ... زمینه‌های این تداخل را فراهم آوردند و سپس با شکل‌گیری جریان‌های اسلام‌گرای نوین چون اخوان المسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و... بار دیگر زمینه‌های دینی-سیاسی تداخل دین در سیاست را با تفسیرهای نوین از متون دینی فراهم کردند. در کردستان با وجود حضور

پررنگ اسلام اما به دلیل حاکمیت تصوف از نظر دینی برای چندین قرن، دین از تداخل (بجز در سال‌های ۱۸۷۹ تا ۱۹۳۷) در سیاست دور نگه داشته بود تا این‌که در دهه ۵۰ شمسی و با شکل-گیری مکتب قرآن در کردستان زمینه تداخل فراهم شد. مکتب قرآن از سال ۱۳۷۱ عملاً فعالیت‌های سیاسی خود را متوقف و جهت‌گیری‌هایش بیشتر معطوف به اهداف تربیتی شده است. سلفی‌ها (به-ویژه سلفی‌های غیرجهادی) هم عمدتاً به اعمال دینی اهتمام می‌ورزند. در دو دهه اخیر، جماعت دعوت و اصلاح زمینه پیوند دین و سیاست را کردستان مهیا ساخته است. بنابراین جماعت دعوت و اصلاح برای پژوهش موردی مناسب تشخیص داده شد. جماعت دعوت و اصلاح ایران اگر چه دارای ریشه‌های فکری اخوانی است اما با شاخه‌های دیگر اخوان تفاوت‌های بارزی دارد. برخلاف شاخه‌های دیگر اغلب که در نظام سیاسی با ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی و یا اسلام سنی ظهور و نمو پیدا کرده‌اند، جماعت دعوت و اصلاح ایران در درون نظام سیاسی با مذهب رسمی تشیع فعالیت می‌کند که این خود در رویکردها و جهت‌گیری‌های آن‌ها مؤثر بوده است.

پیوند تاریخی نیرومندی بین مذهب و سیاست در جهان اسلام وجود دارد که منعکس‌کننده سرشت اسلام به مثابه مذهبی حقوقی است که هم برای سامان‌دهی اجتماعی و هم اخلاق فردی قانون دارد. از این‌رو اسلام در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی نقش حیاتی دارد (تسلر، ۱۳۸۴). اگرچه به نظر مارک تسلر، اسلام دارای چنین پتانسیل سیاسی گسترده‌ای می‌باشد، و به قول حمید عنایت، «اندیشه سیاسی، فعال‌ترین حوزه از حیات فکری مسلمانان در دو قرن اخیر بوده است» (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۸). اسلام همان‌گونه که خداوند آن را فرستاده و پیامبرش آن را ابلاغ فرموده است، باید سیاسی هم باشد، زیرا تعالیم و شریعت کامل و فراگیر و فقه و مقررات آن همه‌ی ابعاد زندگی از طهارت تا بنیان‌گذاری حکومت و رهبری را شامل می‌شود (قراضوی، ۱۳۸۱: ۲۶۴). جماعت دعوت و اصلاح در چارچوب اندیشه اسلامی با هدف حفظ اعتقادات و هویت اهل سنت ایران و نیز فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه همه جانبه زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران در پرتو باور به کرامت ذاتی بشر، آزادی، عدالت، شورا، دگرپذیری و ارزش‌های بنیادین اخلاقی در ابعاد مختلف زندگی تشکیل شده است (اساس‌نامه جماعت دعوت و اصلاح، مصوبه کنگره چهارم). اشاره به مفاهیم آزادی، عدالت، شورا و دگرپذیری در مرام‌نامه و اساس‌نامه جماعت، دارای همان بار سیاسی مفاهیم انتخابات، آزادی، برابری و قبول مخالف در رویکردهای سیاسی مدرن است. بدین منظور برای دستیابی به ابعاد، دلالت‌ها و پیامدهای مذهب در کنش‌ورزی سیاسی در میان اعضای جماعت دعوت و اصلاح در این تحقیق با اعضای با سابقه جماعت دعوت و اصلاح کردستان (شهر سنندج) در چارچوب روش نظریه زمینه‌ای، مصاحبه نیمه ساخت یافته به عمل آمد. در کردستان برخلاف نظر اندرسون و گلنر و در تأیید دیدگاه فان دیر فیر و اسمیت، ارتباط زیادی بین دین و ناسیونالیسم کردی وجود داشته است؛ به طوری که با تضعیف جایگاه دین در کردستان نقش ملی‌گرایان چپ

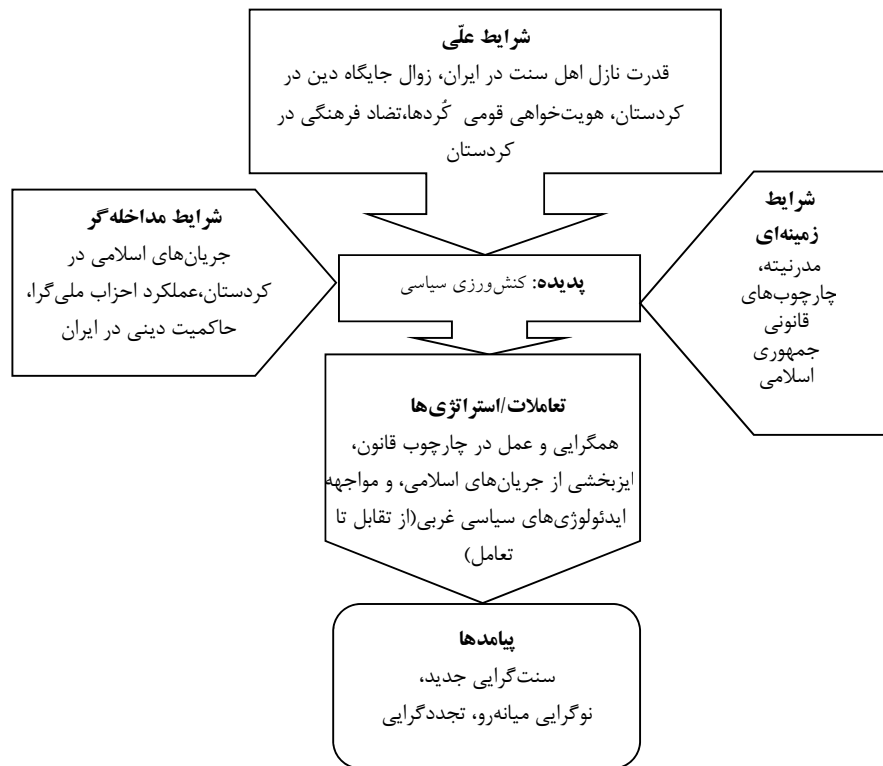
افزایش یافته و یکی از عوامل ظهور جریان‌های اسلام‌گرا در کردستان در قرن بیستم در واکنش به فعالیت احزاب ملی‌گرا بوده است. دیدگاه تسلر (۲۰۰۲) مبنی بر پیوند وثیق و مستقیم جهت‌گیری‌های مذهبی با فرهنگ سیاسی در خصوص جماعت دعوت و اصلاح از قابلیت کاربست برخوردار است؛ این جریان مذهبی با اتخاذ افکار اخوان‌المسلمین در کردستان، فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌تری نسبت به دیگر جریان‌های اسلام‌گرا دارد و از عناصر فرهنگ سیاسی دمکراتیک همچون تشکیل پلونیوم، انتخابات در تعیین رهبران‌شان، شرکت در فعالیتهای سیاسی رسمی ایران، حضور زنان در کادر رهبری و... برخوردار است و همچنین در تأیید دیدگاه دکمجیان (۱۳۹۵) در خصوص شکل‌گیری جریان‌های مذهبی، شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران در کردستان در دهه ۵۰ شمسی واکنشی به بحران هویت و بحران مشروعیت و تضاد طبقاتی کردستان در دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی بوده است. در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی با افزایش فعالیت‌های احزاب ملی‌گرا و کاهش اقتدار تصوف در کردستان یک نوع بحران هویت و بحران مشروعیت شکل گرفته بود و همچنین به واسطه نظام ارباب رعیتی و قبیله‌گرایی در کردستان، تضاد طبقاتی شدت پیدا کرده بود و جریان‌های اسلام‌گرا نظیر مکتب قرآن، جماعت دعوت و اصلاح، سلفیت و ... در واقع نوعی واکنش به این نوع بحران‌ها بوده است. اما آنچه که در این‌جا در ارتباط با جماعت دعوت و اصلاح ایران در ارتباط با دیدگاه‌های تسلر و دکمجیان قابل تبیین نیست، حوزه مکانی فعالیت جماعت دعوت و اصلاح ایران به مثابه جریانی شهری و تحصیل که مورد حمایت قشر متوسط بوده است. در واقع جماعت دعوت و اصلاح نوعی رویکرد نوگرایانه به اسلام و آموزه‌های اسلام را اتخاذ نموده است که قائل به شرایط مکانی- زمانی در تفسیر متون دینی می‌باشد و این نوع آموزه‌ها با دیدگاه محافظه-کارانه‌ی تصوف و اسلام سنتی حاکم بر مناطق روستایی و طبقات پایین جامعه در تضاد است.

بر مبنای یافته‌های میدانی، زمینه‌هایی چون «هویت خواهی قومی در بین احزاب ناسیونالیست گرد»، «تضعیف شدن جایگاه دین در کردستان»، «تضاد فرهنگی در کردستان»، «قدرت نازل اهل سنت در ایران»، کنش‌ورزی سیاسی اعضای جماعت را در پی داشته است. این زمینه‌ها به مثابه شرایط علی عمل نموده است. اگرچه به گفته حمید عنایت، شاخه‌های اخوان چه در مصر، سوریه، عراق و فدائیان اسلام در ایران در حاشیه سیاست ملی قرار گرفته‌اند، اما جماعت دعوت و اصلاح برای رفع این نقیصه با توجه به هویت و خواسته‌های ملی از دریچه دینی و با توجه به عدم فعالیت قانونی احزاب ملی‌گرا در کردستان، فضای مساعدی در جهت آشتی دادن هویت ملی و دینی در چارچوب رعایت قواعد دینی در کردستان به‌دست آورده است. در این میان نبایستی از نقش عوامل زمینه‌ای غافل شد که فضا را برای فعالیت و کنش ورزی جماعت دعوت و اصلاح مهیا کرده است؛ این زمینه‌ها شامل، «تفسیر نوین از دین و جایگاه آن در جامعه» که در قالب مقوله محوری «مدرنیته» قابل دسته

بندی است؛ چون این شرایط یا نتیجه مستقیم مدرنیته و یا عکس‌العملی در مقابل مدرنیته محسوب می‌شود. مقوله‌های «حساسیت به زمان حال»، «تطبیق دین با شرایط روز»، «انعطاف زیاد»، و «تفسیر به روز از دین» بیانگر رویکردی نو به دین در منطقه و توجه به مسئله تفسیر نو از متون دینی برای انطباق با شرایط اجتماعی- فرهنگی حاکم بر کردستان است. زمینه مهم داخلی، زمینه و بستر مکانی است که جماعت دعوت و اصلاح ایران در درون آن فعالیت می‌کند؛ یعنی «جمهوری اسلامی ایران». از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه تلفیق دین و سیاست در طول چند دهه گذشته به موفقیت‌ها و دستاوردهایی در ابعاد ملی و فراملی نائل آمده است، به عنوان انگیزه و زمینه مساعدی برای فعالیت اعضای جماعت دعوت و اصلاح به شمار می‌رود تا با توجه به چارچوب قانون اساسی، کنش‌ورزی سیاسی خود را معطوف به احقاق حقوق اهل سنت نمایند. اما در کنار شرایط علی و زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای نیز سهیم بوده است که در این میان می‌توان به عواملی چون «موفقیت اسلام‌گرایان در کشورهای اسلامی نظیر، ترکیه، مصر و تونس»، «فعالیت جریان‌های اسلامی در کردستان نظیر، سلفیت و مکتب قرآن» اشاره کرد. بر این اساس، جماعت دعوت و اصلاح در مواجهه با زمینه‌های مذکور به راهبردهایی چون «کنش همگرایی و عمل در چارچوب قانون»، «تمایز از دیگر گروه‌ها و جریان‌های اسلامی»، و «مواجهه با ایدئولوژی‌های سیاسی غربی (از تقابل تا تعامل)» متوسل شده‌اند. اعضای جماعت دعوت و اصلاح، کنش‌ورزی سیاسی در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران را مجاز می‌دانند و شیوه بهینه و مناسب دفاع از حقوق اهل سنت ایران را در تعامل با نظام جمهوری اسلامی ایران و مشارکت در برنامه‌های سیاسی نظام می‌دانند.

بر مبنای یافته‌های میدانی، سه سنخ و رویکرد در میان اعضای جماعت در خصوص پیوند دین و سیاست شناسایی شده است. سنخ‌های مذکور به نوعی پیامد شرایط و راهبردهای اتخاذ شده اعضای جماعت در مواجهه با اقتضانات محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی (جهان اسلام و جهان مدرن) است: «سنت‌گرایی جدید»، این گروه خواهان تداخل همه جانبه دین در سیاست هستند. از منظر این افراد، برنامه‌های سیاسی را می‌توان از متون دینی استخراج نمود. سنخ دوم، «تجددگرایی میان‌رو» بودند که خواهان تداخل عناصر دینی در سیاست هستند اما به صورت محدود و با رعایت یک سری شرایط، از جمله عدم دخالت دین در قدرت و عدم بر عهده گرفتن رهبری سیاسی حکومت. اگرچه کسانی چون سیدقطب، محمدغزالی، ابوعلای مودودی به تقبیح ناسیونالیسم پرداخته‌اند، اما نوگرایان میان‌رو با نظر به جامعه کردستان ضمن تعدیل رویکرد، کم‌تر به تقبیح ناسیونالیسم در کردستان پرداخته و نگاه متعادل‌تری دارند و سنخ سوم، «تجددگرایی» می‌باشند که خواهان جدایی دین از نهاد سیاست هستند و حتی این دخالت را به ضرر دین تلقی می‌نمایند. استقلال نهاد سیاست از دین، یک نوع رویکرد نوگرایانه از جانب اسلام‌گرایان به شمار می‌رود. مطالعه عبادی (۱۳۹۱) نیز مؤید آن است که نواندیشی و نوگرایی فراگیر در ابعاد سیاسی، فرهنگی،

و اجتماعی از ویژگی‌های جماعت دعوت و اصلاح به‌شمار می‌رود و اکثریت اعضای این جماعت به تیپ نوگرایی میانه‌رو تعلق دارند. مطالعه رسول‌پور (۱۳۹۲) نیز در خصوص تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران و تحول گفتمانی آن نشان‌گر آن است که در یک دهه اخیر، جنبش‌های اسلامی بنیادگرا و سلفی در جامعه اهل سنت ایران، به خصوص در میان جوانان و نوجوانان، عمق و گسترش بیشتری پیدا کرده است؛ جنبش‌های سلفی، نوعی هویت تک‌واره-مسلمان راستین بودن - را تبلیغ می‌کنند و تعلیم می‌دهند؛ به طوری که دیگری در این گفتمان‌ها، هم‌ردیف دشمن است و شعار «هر که با ما نیست، برضد ماست» به شدت در این جنبش‌ها ریشه دوانیده است و این خود اسباب ترویج خشونت است. گفتمان حاکم بر جماعت دعوت و اصلاح ایران، پذیرش تساهل و مدارا و هم‌زیستی با گفتمان مدرنیته است و جهت‌گیری‌های آن نسبت به تنوع و تکثر فرهنگی و اجتماعی در جامعه کردستان از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.



شکل (۱): مدل زمینه‌ای درک اعضای جماعت دعوت و اصلاح از شرایط، تعاملات و پیامدهای کنش‌ورزی سیاسی

منابع

- احمدی، حمید(۱۳۸۸)، قومیت و قوم‌گرایی از افسانه تا واقعیت، تهران: نی.
- اسپوزیتو، جان آوال (۱۳۹۲)، *جنبش‌های اسلامی معاصر(اسلام و دموکراسی)*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نی.
- استراوس، انسلم؛ کریبن، جولیت (۱۳۹۴)، *مبانی پژوهش‌های کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- استربرگ، ک.جی (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه پوراحمد و شماعی، یزد: دانشگاه یزد.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصورانصاری، تهران: مطالعات ملی.
- اشرف احمد (۱۳۷۳)، بحران هویت ملی و قومی در ایران، *مجله ایران‌نامه*، شماره ۴۷: ۵۲۱-۵۵۰.
- اعظم آزاده، منصوره و بقالی، هاوژین (۱۳۹۱) جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت ساز در کردستان ایران، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۶، شماره ۲: ۲۹-۴.
- آندرسون بندیکت (۱۳۹۳)، *جماعت‌های تصویری*، ترجمه محمد محمدی، تهران: رخداد نو.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵) *فراز و فرود جنبش کردی*، تهران: لوح قلم.
- دکمجیان، هریر (۱۳۹۵)، *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان.
- رسول‌پور، خیاب (۱۳۹۲)، "تبیین جامعه‌شناختی شکل‌گیری جماعت دعوت و اصلاح ایران و تحول گفتمانی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.
- سراج زاده، سید حسین و شریعتی، سارا و کیهان صفری (۱۳۹۵)، چالش‌های زیست دینی (مورد مطالعه جوانان شهر سنندج)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۵۲، صص ۹۶-۱۲۰.
- سراج زاده، سید حسین و قادرزاده، امید و جمیل رحمانی (۱۳۹۴)، مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال ۱۵، شماره ۴: ۲۹-۳.
- شریعتی مزینانی، سارا و ابراهیم‌زاده، سامان (۱۳۹۶)، مکتب قرآن؛ مؤمنانی در نوستالژی «امت»؛ مطالعه موردی کردها در ایران، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۳: ۹۹-۷۹.
- عبادی محسن (۱۳۹۱)، "مطالعه جامعه‌شناختی جماعت دعوت و اصلاح ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- عنایت حمید (۱۳۹۲)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- قرضوی یوسف (۱۳۸۱)، *اخوان المسلمین. هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان.
- کارزمن، چارلز (۱۳۹۶)، *گفتمان مدرنیسم اسلامی؛ مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها*، ترجمه مصطفی مهرائین، تهران: پژوهشکده امام‌خمینی و انقلاب اسلامی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- محمدزاده، حسین (۱۳۹۰)، "انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران"، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Entessar N (1992) *kurdish Ethnonationalism, The United States of America: Lynne Rienner.*

- Esposito J (1991) *Islam, The Sright Path*,oup, London: Oxford.
- Shepard E William (1987) *Islam and Ideology: Toward a Typology*, International Journal and Middle East Studies. vol 19.
- Tessler M (2002) *Islam and Democracy In The Middle East: The Impact of Religious on Attitudes Toward Democracy in Four Arab Countries* Comparative Politics, 34: 337-354.